

Comparative Study of the Fundamentals of Electoral Justice and the Challenges Ahead in Iranian Jurisprudence and Law

Alireza Qasemzadeh: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

qasemzadeh۱۳۵۰@gmail.com

Alireza Asgari: Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Alireza.asgari۸۸@gmail.com

Hossein Javadi: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

javadi۱۳۴۶@yahoo.com

Abstract

The purpose of this research is to examine the jurisprudential foundations of electoral justice and the challenges it faces from the perspective of Iranian jurisprudence and law. Electoral justice is a type of political justice that means respecting the rights and duties of actors in the field of justice in three dimensions: distributive, procedural, and transactional. The actors in the electoral arena are the government, election observers and election administrators, the people, candidates, political organizations and reference groups, and the media. The desired model of the electoral system is one that has the highest levels of electoral justice. Among the challenges ahead in the elections are the requirement that the presidential candidate must be male, the ruling on not participating in the elections due to the performance of officials, blank votes, buying and selling votes, using treasury funds for advertising and slander during the elections, which must be examined, analyzed and jurisprudentially examined from a jurisprudential perspective. In this research, the four arguments have been examined and analyzed to examine the jurisprudential foundations of electoral justice, and from a legal perspective, the issue of electoral justice has been explored with an approach to Iranian laws. The method of the present research is descriptive-analytical.

Keywords: Justice, elections, electoral justice, jurisprudence, Iranian law.

Received: ۲۰۲۳/۰۷/۱ ; **Revised:** ۲۰۲۳/۰۹/۲۷ ; **Accepted:** ۲۰۲۳/۱۱/۲۶ ; **Published online:** ۲۰۲۳/۱۲/۳۱

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the authors



بررسی تطبیقی مبانی عدالت انتخاباتی و چالش‌های پیش رو در فقه و حقوق ایران

علیرضا قاسم زاده: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

qasemzadeh1350@gmail.com

علیرضا عسگری: دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Alireza.asgari88@gmail.com

حسین جوادی: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

javadi1346@yahoo.com

چکیده:

هدف از این پژوهش آن است که مبانی فقهی عدالت انتخاباتی و چالش‌های پیش روی آن را از منظر فقه و حقوق ایران مورد بررسی قرار دهد. عدالت انتخاباتی گونه‌ای از عدالت سیاسی است که به معنای رعایت حقوق و تکالیف بازیگران عرصه عدالت در سه بعد توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای می‌باشد. بازیگران عرصه انتخابات؛ حاکمیت، ناظران انتخابات و مجری انتخابات، مردم، نامزدها، تشکلهای سیاسی و گروه‌های مرجع و رسانه‌ها می‌باشند. الگوی مطلوب نظام انتخاباتی، الگویی است که شقوق و شئون مختلف عدالت انتخاباتی را در بالاترین حد خود داشته باشد. از جمله چالش‌های پیش رو در انتخابات، شرط جنسیت ذکوریت برای نامزد ریاست جمهوری، حکم عدم شرکت در انتخابات به جهت عملکرد مسئولان، آرا سفید، خرید و فروش رای، استفاده از بیت‌المال جهت تبلیغات و تهمت زدن در جریان انتخابات است که این چالش‌ها باید از منظر فقهی مورد بررسی و تحلیل و حکم‌شناسی قرار گیرد. در این پژوهش برای بررسی مبانی فقهی عدالت انتخاباتی ادله اربعه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و از نظر حقوقی نیز با رویکردی به قوانین ایران، مسئله عدالت انتخاباتی مورد کاوش مبنایی واقع شده است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: عدالت، انتخابات، عدالت انتخاباتی، فقه، حقوق ایران.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

©نویسندگان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱۰ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۷/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰



مقدمه

انتخابات یکی از مهم‌ترین مجاری عملی شدن دموکراسی و معیاری برای سنجش جایگاه و میزان نقش آفرینی گروه‌های مردمی و مهم‌ترین شیوه می‌باشد، از منظر فقه و حقوق عمومی موضوع مهم این می‌باشد که انتخابات نمایانگر اراده مردم می‌باشد و امانت‌داری آراء باید در آن رعایت گردد. در جریان انتخاباتی میان گروه‌ها، حزب‌ها و جناح‌های سیاسی گوناگون کشور با ارائه برنامه‌هایی در جهت به دست آوردن آراء بیشتر مردم با یکدیگر رقابت می‌کنند. این برنامه‌ها که تبلیغات خوانده می‌شوند گاهی ممکن می‌باشد شعارهایی داشته باشد که قابلیت اجرا ندارند، با این وجود بیانگر عقاید و رویکردهای ارائه‌دهندگان آن‌ها در زمینه‌های مختلف به حساب می‌آیند. لذا برای برقراری یک فضای تبلیغاتی مناسب، نیاز است که برخی قوانین جهانی را رعایت کرد. یعنی نامزدهای انتخاباتی و هواداران آن‌ها دارای این حق هستند که در انتخابات خود، از آزادی‌های شناخته‌شده اسناد بین‌المللی استفاده کنند. نظام ایران به مقوله انتخابات توجه ویژه‌ای دارد و قوانینی را برای امر تبلیغات در انتخابات وضع کرده است. هنگامی که انتخابات با صداقت برگزار می‌شود، فرایندهای انتخاباتی هسته اصلی ظرفیت دموکراسی برای حل مسالمت‌آمیز مناقشات است. توانایی جوامع برای حل و فصل منازعات بدون خشونت مستلزم بحث، اطلاعات، تعامل بین شهروندان و مشارکت معنادار در حکومت خود است، همه عناصری که می‌تواند طرز فکر مردم را تغییر دهد و به دولت‌ها اجازه دهد بهترین تصمیم‌ها را بگیرند. انتخابات با صداقت می‌تواند دموکراسی را تقویت کند و بحث و استدلال مردم را در مورد مسائل کلیدی و نحوه رسیدگی به آن‌ها تشدید کند.

در پی بروز نارضایتی‌های مردم از برخی سیاست‌ها و رویکردهای اجتماعی - فرهنگی که فضای غبارآلود ناآرامی‌های اخیر به مانعی برای پرداختن جدی به آن بدل شده بود، مدتی است بحث بازنگری در شیوه‌های مدیریتی و ساختارها از سوی جمعی از مسئولان با عباراتی مانند حکمرانی نو، تحول مدیریتی، اصلاح برخی رویکردها و سیاست‌گذاری‌ها و امثالهم مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. بنابراین خلاءهای عدالت انتخاباتی در امر انتخابات احساس می‌شود و نیاز به ارائه راهکار مناسب دارد.

سه قوه در صددند در راستای وظایف و اختیارات‌شان به نحوی شایسته به آن ورود کنند. در همین راستا مجلس به‌عنوان خانه ملت نیز در تلاش است در این حوزه اقدامات جدی و مؤثری انجام دهد. یکی از اقداماتی که در این حوزه نمایندگان بنای ورود به آن را دارند، تقویت اثرگذاری آرای مردم در حکمرانی است. در همین راستا هم جمعی از نمایندگان در قالب طرح «اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس» در پی درانداختن طرحی نو در روند انتخاب نمایندگان و شکل‌گیری مجالس بعدی هستند؛ اقدامی که اگر به بار بنشیند، گامی نو در مسیر ارتقای مشارکت سیاسی مردم خواهد بود؛ چراکه این طرح بر پایه توجه به حقوق شهروندی و میدان دادن به نخبگان و متخصصان طراحی شده است.

عدالت انتخاباتی مفهومی است که در سیاست کلی انتخابات به معنای واقعی رعایت کردن حقوق و تکالیف بازیگران در امر انتخابات در ابعاد توزیعی^۱، رویه‌ای^۲ و مراوده‌ای^۳ است و در این راستا عدالت رویه‌ای نقش اساسی در پیاده کردن عدالت انتخاباتی می‌باشد.

عدالت انتخاباتی شاخصه‌هایی دارد ولی نمی‌توان آن را محصور و محدود کرد. مصادیق مهم عدالت انتخاباتی می‌تواند؛ شفافیت عملکرد نهادهای نظارتی در روند بررسی احراز صلاحیت، افزایش فرصت احراز صلاحیت‌ها، توجه نهادهای نظارتی به مستندات قانونی و شرعی، زمینه‌سازی برای فعالیت احزاب، گروه‌ها و جبهه‌های انتخاباتی و... خواهند بود که در راستای پیاده کردن عدالت انتخاباتی برای مشارکت حداکثری در امر انتخابات می‌باشد. چالش اصلی مسئله شاخصه‌های عدالت انتخاباتی است که ببینیم به چه نحوی می‌تواند عدالت را در نظام انتخابات پیاده کرد و در این راستا از منظر فقه و حقوق ایران این موضوع مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

در مسئله مورد بحث، پژوهش‌هایی تاکنون انجام شده است که در ادامه با مروری بر آن‌ها نقطه افتراق پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین بیان می‌گردد.

۱. محمدی، مهین و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان بررسی مفهوم عدالت در انتخابات از منظر فقه سیاسی، به این نتیجه رسیده‌اند که کاربرد و تأثیر عدالت در احکام فقه سیاسی انتخابات موجب خواهد شد، چالش‌ها و تنش‌هایی انتخاباتی را که قبل و پس از برگزاری انتخابات رخ می‌دهد، پیشگیری و رفع نمود. افزون بر آن، با انتخاب اصلح از نخبگان و کارشناسان در امور مختلف جامعه، منجر می‌شود، تأثیر آن به معنای واقعی کلمه در عدالت اقتصادی، حقوقی، سیاسی و به طور کلی در همه زمینه‌ها بروز و ظهور داشته باشد و جامعه اسلامی را به سوی رشد و تعالی پیش برد. در این پژوهش فقط به مفاهیم عدالت در انتخابات بحث شده است در حالی که در رساله کنونی علاوه بر مفاهیم به شاخصه‌های عدالت انتخاباتی هم اشاره شده است.

۲. فغانی، رامین و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان همگرایی مفهوم عدالت فقهی در فقه مذاهب اسلامی، به این نتیجه رسیده است که همه تعاریف بیان شده برای عدالت فقهی، در مذاهب اسلامی، بر مفهومی واحد، همگرا و دارای اتفاق هستند و از این رو، عدالت، در ادبیات فقه مذاهب اسلامی، تنها، دارای یک معنی است؛ امتثال واجبات، اجتناب از کبایر و عدم اصرار بر ارتکاب صغایر. اما می‌توان گفت در باب معاملات عدالت نفسانی حداقلی شهود و در ابواب مربوط به قضاء، حدود و قصاص عدالت نفسانی حداکثری مورد توجه می‌باشد. در این پژوهش فقط به مفاهیم عدالت بحث شده است در حالی که در رساله کنونی علاوه بر مفاهیم عدالت، سایر مفاهیم از جمله؛ انتخابات، تخطی، ابعاد عدالت انتخاباتی و ... هم اشاره شده است.

۳. نوبهار و ولایی، (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان واکاوی معیارهای فقهی در ارزیابی صلاحیت نامزدهای انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه رسیده‌اند معیار عدالت یکی از شاخص‌های مد نظر شورای نگهبان است که

۱. عدالت توزیعی درواقع فراهم کردن آرامش و آسایش زندگی برا جامعه می‌باشد.

۲. عدالت رویه ای درواقع به مجموعه فرآیندی اطلاق می‌شود که به اخذ تصمیم توجه می کند.

۳. عدالت مراوده ای درواقع بر جنبه اعمال انسانی دلالت می کند.

علاوه بر مغایرت با قانون و عدم مطابقت رویه قضایی در شیوه احراز عدالت، حاکی از اعمال نظریات سختگیرانه و بی‌توجهی به طرق احراز سهل‌گیرانه در فقه می‌باشد؛ نظریاتی که اصل را عدالت می‌دانند، ظن مطلق را کافی دانسته، در خصوص غیرمسلمانان هم قائل به امکان عدالت هستند، عدالت را مفهومی ذومراتب و دارای معنایی عرفی می‌دانند و به حسب مورد و با توجه به جایگاه، تعریف متفاوت و مرتبطی از عدالت به دست می‌دهند. در این پژوهش فقط به معیارهای فقهی در ارزیابی صلاحیت نامزدهای انتخابات در جمهوری اسلامی ایران بحث شده است در حالی که در رساله کنونی علاوه بر معیارهای فقهی در ارزیابی صلاحیت نامزدهای انتخابات در جمهوری اسلامی ایران به شاخصه‌های عدالت انتخاباتی هم پرداخته شده است.

۴. مرادی و چگنی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بررسی جرایم انتخاباتی در ایران بر اساس قوانین انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، لایحه جامع انتخابات با نگاهی به قانون انتخابات فرانسه و قانون مجازات آلمان، به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از راهکارهای حفاظت از آرا عمومی در انتخابات و پیشگیری از رفتارهای خلاف قانون در این زمینه، جرم‌انگاری برخی رفتارهای هنجارشکنانه می‌باشد، لیکن فقدان ضمانت اجرای قوی برای این جرائم موجب شده است در عمل این مجازات‌ها بازدارندگی و اثر لازم را نداشته باشند. در این پژوهش فقط به مفاهیم عدالت در انتخابات بحث شده است در حالی که در رساله کنونی علاوه بر مفاهیم به شاخصه‌های عدالت انتخاباتی هم اشاره شده است.

۵. عطائی (۱۳۹۷) در پایان نامه‌ای با عنوان بررسی تطبیقی جرایم انتخاباتی در قوانین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان، به این نتیجه رسیده است که در خصوص مصادیق جرم‌انگاری شده در جرایم انتخاباتی ایران و افغانستان وجوه اختلاف بیشتر از وجوه اشتراک است و سیاست کیفری ایران در برخورد با جرایم انتخاباتی سختگیرانه‌تر می‌باشد، هم‌چنین داشتن قانون واحد انتخاباتی مؤثریت بیشتر خواهد داشت. در این پژوهش فقط به جرایم انتخاباتی در انتخابات بحث شده است که در کلیات رساله حاضر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۶. سلیمی، (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان مفهوم‌شناسی عدالت انتخاباتی با تاکید بر عدالت رویه‌ای، به این نتیجه رسیده است عدالت انتخاباتی مفهومی است که در سیاست کلی انتخابات به معنای واقعی رعایت کردن حقوق و تکالیف بازیگران در امر انتخابات در ابعاد توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای است و در این راستا عدالت رویه‌ای نقش اساسی در پیاده کردن عدالت انتخاباتی می‌باشد. در این پژوهش فقط به مفهوم‌شناسی عدالت انتخاباتی در انتخابات بحث شده است در حالی که در رساله کنونی علاوه بر مفاهیم به شاخصه‌های عدالت انتخاباتی هم پرداخته شده است.

نتیجه بررسی‌ها حاکی از آن است تاکنون پژوهشی با عنوان شاخصه‌های عدالت انتخاباتی از منظر فقه و حقوق ایران مورد بررسی قرار نگرفته است و هم‌چنین چالش‌های عدالت انتخاباتی و بررسی نقاط ضعف و قوت در نظام حقوقی تبلیغات انتخاباتی ایران و ارائه راهکارها و پیشنهادها از جنبه نوآوری و جدید بودن پژوهش حاضر باشد.

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. در روش توصیفی-تحلیلی پژوهشگر علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. پژوهشگر برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره آن فراهم می‌شود که معمولاً در پیشینه پژوهش تدوین می‌گردد. پژوهشگر از نظر منطقی جزئیات مربوط به مسئله تحقیق خود را با گزاره‌های کلی مربوطه ارتباط می‌دهد و به نتیجه‌گیری می‌پردازد. نکته قابل توجه این است که هر کدام از تحقیقات مزبور در جای خود ارزش علمی دارد (حبیبی، ۱۴۰۰، ص ۵۸).

از ویژگی‌های تحقیق توصیفی این است که پژوهشگر دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و آن‌ها را دستکاری یا کنترل نمی‌کند و صرفاً آنچه را وجود دارد مطالعه کرده، به توصیف و تشریح آن می‌پردازد. همچنین، تحقیقات توصیفی ممکن است به کشف قوانین و ارائه نظریه منتهی شود؛ این سخن بدان معناست که از طریق این گونه تحقیقات شناخت‌های کلی حاصل می‌شود.

مفهوم‌شناسی عدالت انتخاباتی در فقه

عدالت به معنی عادل بودن، انصاف داشتن، دادگر بودن آمده است (عمید، ۱۳۹۰، ص ۸۵۹) عدل مصدر یا اسم جمع است و مذکر، مؤنث، مفرد و جمع آن یکسان می‌باشد و به معنی راستی، داد و انصاف، داوری و درستی آمده است. آنچه در این واژه به موضوع ما نزدیک‌تر است عدل به معنی برابری، انصاف و میانه‌روی است.

عدالت در اصطلاح فقهی، از نظر برخی استقامت عملی و اجتناب از معصیت است و از نظر برخی دیگر به معنای حسن ظاهر یا صرف ترک گناهان است و بر اساس نظر مشهور فقیهان متأخر، عدالت ملکه راسخ نفسانی است که باعث ملازمت و مداومت تقوا در پایبندی به انجام واجبات و ترک منهیات و مرتکب نشدن گناهان کبیره و نیز اصرار نکردن بر گناهان صغیره می‌شود. در مذهب تشیع عدالت، از اصول مذهب بوده و به عنوان میزان و اندازه‌گیری، شمرده می‌شود و در بسیاری از باب‌های فقه، نقش محوری دارد (نجفی، ۱۴۲۹ ق، ص ۱۲).

برخی از فقه‌های امامیه این عقیده را دارند که عدالت در فقه به همان معنای لغوی استفاده شده است برای عدالت نه حقیقت شرعیه ثابت شده است و نه حقیقت متشرعه، بلکه عدالت در همان معنای لغوی خود، یعنی درستی و عدم جور و انحراف استفاده شده است. بعضی از دانشمندان فقه مثل (شیخ طوسی، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۱۷) این باور را دارند که عدالت در شریعت معنای برخلاف معنای لغوی دارد و به اصطلاح دارای حقیقت شرعیه و متشرعه است (نجفی، ۱۴۲۹ ق، ص ۴۶۵) عدالت در فقه در مقابل فسق و به معنای دوری از گناه می‌باشد.

کلمه «عدل» از نظر شهید مطهری در چهار معنا کاربرد دارد:

الف- توازن که در برابر بی تناسبی است؛

ب- تساوی و نفی هر نوع تبعیض؛

ج- رعایت حقوق اشخاص و عطا کردن به هر ذیحق، حق خودش را؛

د- رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و خودداری نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان یا کمال وجود دارد.

از بین معنی‌های گفته‌شده در بالا، معنای سوم یعنی دادن و بخشیدن حقوق هر ذیحق، از ظرافت خاصی برخوردار است. این معنی برداشتی از کلام حضرت علی(ع) است که می‌فرمایند: «اعطاء کل ذی حق حقه» در این معنی، اصول اجرای عدالت، نیازمند شناسایی درست حقوق و صاحبان آن‌ها و در ادامه، واگذاری حقوق هر کدام از صاحبان حق به آنان است (مطهری، ۱۳۷۴ ش، ص ۸۲۲) مفهوم عدالت در فقه امامیه، به مفهوم عدم ارتکاب گناه کبیره و یا اصرار بر صغیره است (مرتضوی لنگرودی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۵) و برای عدالت رایج‌ترین تعریف این است که عدالت اعطای حق هر ذیحقی به اوست و از آن به عدالت تشریحی هم یاد می‌شود.

مفهوم‌شناسی عدالت انتخاباتی در حقوق

الف. مفهوم عدالت انتخاباتی

در علم حقوق، عدالت مفهوم گسترده‌ای دارد. از جمله می‌توان گفت که عدالت عبارت است از احترام به حقوق افراد و احقاق حق براساس مساوات. عدالت مفهومی گسترده و مبهم است که در حقوق بین‌الملل دامنه وسیعی داشته و در شاخه‌های مختلف آن به انحاء مختلف وارد شده و مورد مطالعات بسیاری قرار گرفته است. در فرهنگ کمبریج آمده است: «عدالت وصف رفتار برابر با افراد است یا رفتار به شیوه‌ای که درست و معقول باشد» (Tudor, ۲۰۰۹, p. ۱۲۶). مفهوم عدالت انتخاباتی، در امین و امانت‌دار بودن ناظران و مجریان در حفظ آرای مردم است؛ که بیانگر عدالت فعلی آنان در امانت‌داری است. به استناد احکام فقهی و قانونی، شرط عدالت برای انتخابات، بر ارکان انتخابات اعم از کاندیداها، داوطلبان، ناظران و مجریان (مجلس خبرگان، شورای نگهبان و قوای مجریه و مقننه) ضروری است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱).

به نظر می‌رسد عدالت انتخاباتی در حقوق به مجموعه اصول و قواعدی اشاره دارد که برای تضمین برابری، شفافیت و صداقت فرآیند انتخاباتی وجود دارد. این مفهوم در حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی کشورهای مختلف، از جمله ایران، مورد توجه قرار گرفته است. در زیر به برخی از جنبه‌های این مفهوم اشاره می‌کنیم: ۱. برابری فرصت‌ها؛ ۲. احترام به حقوق رای‌دهندگان؛ ۳. شفافیت؛ ۴. عدم تبعیض. این مفاهیم بر اساس اصول حقوقی و دموکراتیک توسعه یافته‌اند و در قوانین انتخاباتی بسیاری از کشورها، از جمله ایران، به طور صریح ذکر شده‌اند.

ب. ابعاد عدالت انتخاباتی

۱. مفهوم عدالت توزیعی

عدالت توزیعی بر توزیع شرايطی دلالت دارد که بر رفاه و بهتر زندگی نمودن اشخاص اثر می‌گذارد. این شرایط شامل ابعاد روان‌شناختی، فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود (برگرفته از دویچ، ۱۹۷۵، ص ۱۳۷) دیدگاه‌های عدالت توزیعی بر محتوا یا نتایج (خروجی‌های) تصمیم تمرکز دارد. این دیدگاه پیش‌بینی می‌نماید که مردم چگونه به تصمیم‌های تخصیص منابع واکنش نشان می‌دهند (شاپیرو، ۲۰۰۸، ص ۶۱)

۲. مفهوم عدالت رویه‌ای

رعایت عدالت در خصوص فرایندها و رویه‌هایی می‌باشد که برای اخذ تصمیمات در خصوص دستاوردها و خروجی‌ها مورد استفاده واقع می‌شوند (بایرن به نقل از لیند و تیلر، ۲۰۰۱، ص ۱۰) به بیان دیگر به عدالت پروسه و عمل‌هایی که باعث اخذ تصمیم می‌گردند توجه دارد.

۳. مفهوم عدالت مراوده‌ای

این مفهوم از عدالت که در پی مباحث مرتبط با عدالت رویه‌ای مطرح گردید بر بعد انسانی اعمال دلالت دارد؛ عدالت مراوده‌ای ابعادی از پروسه ارتباطات نظیر ادب، راستگویی و احترام میان منبع و دریافت‌کننده را شامل می‌شود (کوهن چاراش، ۲۰۰۱، ص ۲۸۱).

براساس تعریف عدالت انتخاباتی به «رعایت حقوق و وظایف بازیگران حوزه انتخابات» در سه جهت توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای؛ «شبکه مفهومی عدالت انتخاباتی» مانند شکل زیر وضعیت توانایی بررسی و نقد دارد.

مبانی فقهی عدالت انتخاباتی

در خصوص عدالت انتخاباتی در قرآن، سنت، اجماع و عقل دستور صریحی بیان نشده است پس مجبوریم از لابلای اصول، قواعد و دستورات استخراج کنیم.

عدالت در انتخابات از منظر قرآن

تحقق عدالت انتخاباتی به عنوان یکی از اهداف بعثت انبیاء، نیازمند فراهم شدن مقدماتی است که روشن‌ترین و ضروری‌ترین مقدمه آن، تشکیل حکومت است. تلاش صادقانه و مستمر انبیاء و جانشینان آنان برای تشکیل حکومت، تنها ایجاد عدالت اجتماعی در تمام زمینه‌ها بوده است. (۴۶) آنان به دنبال ریاست، فزون‌طلبی و رفاه و آسایش دنیوی شخصی نبودند، و حکومت برای آنان هدف نبود، بلکه آن را ابزاری برای اجرای قانون و احقاق حق محرومان می‌دانستند: «اگر ارسلا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید/۲۵) اصولاً شأن دین از ایجاد حکومت و دخالت انبیاء در سیاست و مبارزات خستگی‌ناپذیر آنان با مستکبران و زورگویان و سرمایه‌داران تنها در همین راستا قابل تحلیل و توجیه است. اگر آنان تنها مأمور تأمین آخرت بودند، مزاحمت معاندان و مخالفان در راه رسالت آن‌ها بی‌معنی و بدون وجه بوده است. وضع قوانین و مقررات اسلامی اقتضا می‌کند که پیامبر مأمور تشکیل حکومت باشد، چرا که اجرای بعضی از قوانین مخصوصاً قوانین مالی، بدون حکومت ممکن نیست. تشکیل حکومت حق برای جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی که بزرگانی مانند سلیمان بن داود و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام برای آن کوشش می‌کردند، از «بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است» (حق‌پناه، ۱۳۸۰، ص ۷۲).

عدالت در انتخابات از منظر قرآن می‌تواند به چندین جنبه مرتبط باشد: ۱. احترام به حق رای؛ قرآن کریم در آیات متعددی به احترام به حقوق دیگران تأکید دارد. در مورد انتخابات، این می‌تواند به معنای احترام به حق رای هر فرد باشد. هر فردی باید بتواند بدون ترس از تبعات یا تحریم‌های اجتماعی، رای خود را به آزادی بدهد. ۲. شفافیت و عدالت: قرآن کریم بر شفافیت و عدالت در تمامی امور زندگی تأکید دارد. در مورد انتخابات، این به معنای وجود یک فرآیند شفاف و عادلانه برای انتخاب نمایندگان است. هم‌چنین، این به معنای این است که هیچ فرد یا گروهی نباید بتواند نتیجه انتخابات را به نفع خود تحت تأثیر قرار دهد. ۳. مساوات: قرآن کریم بر مساوات همه انسان‌ها در برابر خدا تأکید دارد. در مورد انتخابات، این به معنای این است که همه افراد، بدون توجه به جنسیت، نژاد، طبقه اجتماعی یا مذهب، باید بتوانند به طور مساوی در فرآیند انتخابات شرکت کنند. به طور کلی، عدالت در انتخابات از منظر قرآن به معنای وجود یک فرآیند انتخاباتی شفاف، عادلانه و مساوی است که حقوق همه افراد را محترم می‌دارد.

عدالت در انتخابات از منظر سنت اسلامی

در آموزه‌های اسلامی نیز عدالت از بالاترین اعتبارها برخوردار است. خداوند متعال قیام مردم برای تحقق قسط و عدالت را فلسفه ارسال رسل معرفی کرده و می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵) (به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به قسط برخیزند). آموزه عدالت در مکتب اهل بیت (ع) به طور ویژه بسط داده شده و پرورش یافته است، به نحوی که در میان مذاهب اسلامی مکتب شیعه را به "عدلیه" شناخته شده است. دیدگاه شیعه در این عرصه در برابر اشاعره قرار می‌گیرد که قائل به حسن و قبح عقلی نیستند و معتقدند هر آنچه خداوند انجام بدهد خوب است، هر چند ظلم باشد و هر چه انجام ندهد بد است هر چند خوب و بر اساس عدالت باشد! این در حالی است که از نگاه شیعه عدالت دارای حسن ذاتی است و اراده خداوند متعال نیز تنها به عدل و عدالت تعلق می‌گیرد! و ظالمانه عمل نمی‌کند! استاد شهید مرتضی مطهری عدالت را در صدر تمامی ارزش‌های اخلاقی و به مثابه معیاری برای سنجش و ارزیابی دیگر ارزش‌ها مطرح می‌سازند و می‌فرمایند: «اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است، که باید دید چه چیز بر او منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفته عدل است، بلکه آنچه عدل است، دین می‌گوید. این معنا مقیاس بودن عدالت است برای دین. پس باید بحث کرد که آیا دین مقیاس عدالت است یا عدالت مقیاس دین. مقدسی اقتضاء می‌کند که بگوییم دین مقیاس عدالت است، اما حقیقت این طور نیست. این نظیر آن چیزی است که در باب حسن و قبح عقلی، میان متکلمین رایج شد و شیعه و معتزله عدلیه شدند؛ یعنی عدل را مقیاس دین شمردند، نه دین را مقیاس عدل. به همین دلیل، عقل یکی از ادله شرعیه قرار گرفت» (مطهری، ۱۴۰۳ ه.ق، صص ۱۴ - ۱۵).

برای بررسی عدالت در انتخابات از منظر سنت اسلامی، می‌توان به چندین مرجع و منبع مرتبط اشاره کرد: ۱. احادیث و روایات: مجموعه‌های مختلف حدیثی مانند نهج البلاغه، صحیح بخاری، صحیح مسلم و کتب اربعه شامل روایاتی هستند که می‌توانند به مفهوم عدالت در انتخابات اشاره داشته باشند. برای مثال، در نهج البلاغه، امام علی (ع) می‌فرماید: "کسی که خدا را در نظر داشته باشد، در حکومت خود عدل و انصاف را رعایت می‌کند." ۲. سیره پیامبر (ص): سیره و زندگی پیامبر اسلام (ص) می‌تواند الگویی برای عدالت در انتخابات باشد. برای مثال، در مواقعی که پیامبر (ص) برای انتخاب یک فرد برای مقام یا وظیفه‌ای مردم را مشورت می‌کرد. ۳. کتاب‌ها و مقالات مرتبط: برخی از کتاب‌ها و مقالات می‌توانند بر روی موضوع عدالت در انتخابات از منظر سنت اسلامی تمرکز داشته باشند. برای مثال، کتاب "عدالت اجتماعی در سنت اسلامی" از محمدتقی مصباح یزدی یا مقاله "عدالت اجتماعی در سنت اسلامی" از محمدجواد ظهیری. به طور کلی، عدالت در انتخابات از منظر سنت اسلامی به معنای وجود یک فرآیند انتخاباتی شفاف، عادلانه و مساوی است که حقوق همه افراد را محترم می‌دارد. این مفاهیم، اگر به درستی در فرآیند انتخابات اعمال شوند، می‌توانند به تحقق یک جامعه عادلانه و دموکراتیک کمک کنند.

عدالت در انتخابات از منظر اجماع فقها

عدالت از منظر فقها عبارت است از ملکه و نیرویی که سبب می‌شود انسان واجبات را انجام دهد و محرمات را ترک کند. هایی به افراد داده است، در امور اجتماعی و فقه سیاسی هم بایستی عدالت رعایت شود (سلطانی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۲). اجماع فقها یکی از مهم‌ترین مراجع استنباط در فقه اسلامی است و می‌تواند نقش مهمی در تعریف و تبیین مفهوم عدالت

در انتخابات ایفا کند. در این گفتار، ما به بررسی این موضوع از منظر اجماع فقها می‌پردازیم. ۱. احترام به حق رای: فقهای بزرگ اسلامی در اکثر موارد به احترام به حقوق افراد تاکید دارند. این می‌تواند به معنای احترام به حق رای هر فرد باشد. هر فردی باید بتواند بدون ترس از تبعات یا تحریم‌های اجتماعی، رای خود را به آزادی بدهد. ۲. شفافیت و عدالت: فقهای بزرگ اسلامی بر شفافیت و عدالت در تمامی امور زندگی تاکید دارند. در مورد انتخابات، این به معنای وجود یک فرآیند شفاف و عادلانه برای انتخاب نمایندگان است. همچنین، این به معنای این است که هیچ فرد یا گروهی نباید بتواند نتیجه انتخابات را به نفع خود تحت تاثیر قرار دهد. ۳. مساوات: فقهای بزرگ اسلامی بر مساوات همه انسان‌ها در برابر خدا تاکید دارند. در مورد انتخابات، این به معنای این است که همه افراد، بدون توجه به جنسیت، نژاد، طبقه اجتماعی یا مذهب، باید بتوانند به طور مساوی در فرآیند انتخابات شرکت کنند. به طور کلی، عدالت در انتخابات از منظر اجماع فقها به معنای وجود یک فرآیند انتخاباتی شفاف، عادلانه و مساوی است که حقوق همه افراد را محترم می‌دارد. این مفاهیم، اگر به درستی در فرآیند انتخابات اعمال شوند، می‌توانند به تحقق یک جامعه عادلانه و دموکراتیک کمک کنند.

عدالت در انتخابات از منظر عقلی

از مصادیق عدالت عقلی که مورد قبول همه مردم است مضمون این آیه شریفه است: ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ (سوره نساء آیه ۵۸) و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. این آیه عدالت در قضاوت را بیان می‌کند. این یک نوع عدل اجتماعی است که باید در قضاوت‌های خود به این نکته توجه داشته باشیم. سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) در رابطه با عدالت هم همین است. بررسی "عدالت در انتخابات از منظر عقلی" می‌تواند از طریق تحلیل منطقی و استدلال‌های فلسفی انجام شود. در این زمینه، سه نکته کلیدی وجود دارد: ۱. احترام به اراده عمومی: از منظر عقلی، انتخابات باید بر اساس اراده عمومی مردم برگزار شود. این به این معناست که هر فرد باید بتواند به طور آزادانه و بدون ترس از تبعات منفی، رای خود را اعلام کند. این امر به تضمین عدالت در انتخابات کمک می‌کند. ۲. شفافیت: از منظر عقلی، شفافیت یکی از مولفه‌های اصلی عدالت در انتخابات است. این به این معناست که فرآیند انتخابات باید به گونه‌ای باشد که همه افراد قادر به دسترسی به اطلاعات مربوط به نامزدها، سیاست‌ها و نتایج انتخابات باشند. ۳. برابری فرصت: از منظر عقلی، عدالت در انتخابات به معنای وجود برابری فرصت برای همه نامزدها برای ارائه سیاست‌ها و برنامه‌های خود به مردم است. این امر به تضمین یک رقابت سالم و عادلانه در انتخابات کمک می‌کند. به طور کلی، عدالت در انتخابات از منظر عقلی به معنای وجود یک فرآیند انتخاباتی شفاف، عادلانه و مساوی است که حقوق همه افراد را محترم می‌دارد. این مفاهیم، اگر به درستی در فرآیند انتخابات اعمال شوند، می‌توانند به تحقق یک جامعه عادلانه و دموکراتیک کمک کنند.

مبانی حقوقی عدالت انتخاباتی

در این گفتار انتخابات مشروعیت نظام و انتخابات، حق تعیین سرنوشت و اعمال حاکمیت ملی بررسی می‌گردد.

انتخابات مشروعیت نظام

مشروعیت یک نظام سیاسی به عبارت دیگر همان ارزشمندی آن می‌باشد به این معنی که آن نظام مبین اراده عمومی می‌باشد (اندورینست، ۱۳۶۹، ص ۳۲۰). چنین نظام سیاسی واجد حکمرانی می‌باشد و توقع دارد که مردم از قوانین و مقرراتش اطاعت کنند. مشروعیت متضمن توانایی نظام سیاسی در ایجاد و حفظ این اعتقاد می‌باشد که نهادهای سیاسی

مناسب‌ترین نهاد برای جامعه هستند. بدو باید گفت باید میان قانونیت و حقانیت (مشروعیت) تفاوت قایل شد. (قانونی بودن قدرت، تطابق آن با موازین ومقررات وشبیه‌های حقوقی می‌باشد وحقانیت آن، سازگار بودنش با نظریه قدرتی می‌باشد که اکثریت به درستی آن ایمان داشته باشد. در گذشته مبنای مشروعیت به مانند امروز نبوده و عواملی مانند شرافت خونی و یا نجیب‌زادگی تعیین کننده مشروعیت بوده‌اند. در حالی که امروزه این اراده عمومی می‌باشد که منعکس کننده مشروعیت به نظام سیاسی موجود می‌باشد. به طوری کلی مشروعیت یک نظام سیاسی به این می‌باشد که تا چه حد مبین اراده عمومی می‌باشد. اگر انتخابات فرد در معادلات سیاسی به حساب آید و به قدرت منتقل گردد؛ یعنی قدرت حاکمه آن را چون پیامی از منبع اصلی قدرت تلقی نماید ومورد توجه قرار دهد، در این صورت می‌توان گفت که واقعا حکومت مردم به دست مردم می‌باشد. حال که مبنای مشروعیت ناشی از اراده عمومی می‌باشد این اعمال اراده به چه صورت متحقق خواهد شد؟ مهم یک انتخابات مشروع و مقبول مورد تأیید همگان است؛ به نحوی که شهروندان در رأی دادن یا ندادن یا در انتخاب افرادی که می‌خواهند به آن‌ها رأی دهند، از آزادی کامل برخوردار بوده و شرایط برگزاری انتخابات نیز - اعم از مراحل قبل، حین و پس از برگزاری - شهروندان را نسبت به اعمال حقوق سیاسیشان از طریق مشارکت اطمینان بخشد (اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۸). می‌توان گفت انتخابات به عنوان بهترین، مطمئن‌ترین وموثرترین ابزار اراده عمومی در اینجا متجلی می‌شود. و درواقع انتخابات انتقال دهنده مشروعیت که همان خو می‌باشد و اراده عمومی می‌باشد به حاکمیت می‌باشد. انتخابات تجلی ظاهری و نماد بیرونی این مشروعیت می‌باشد.

حق تعیین سرنوشت

از نظر روسو و هوادارانش حاکمیت مردم جمع قطعات حاکمیت می‌باشد که هر قسمت متعلق به هر فرد می‌باشد (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۴۰۰). قائلان به حکومت مردم از آنجا که مردم را سرچشمه قدرت می‌دانند مشروعیت بخشی قدرت نیز توسط اراده عمومی یا خومی‌باشد اکثریت قابل فهم می‌باشد، لذا حکومت یا دولتی مشروع می‌باشد که در خدمت خیر عمومی باشد.

ریشه هرگونه حاکمیت اساسا در ملت قرار دارد. هیچ هیات یا فردی نمی‌تواند اقتداری را که ناشی از ملت نباشد، اعمال کند. لذا حاکمیت که عبارت از مجموعه قدرت‌های دولت - کشور می‌باشد متعلق به کلیتی می‌باشد به نام ملت. آزادی ملت برای تعیین سرنوشت خود، نتیجه منطقی آزادی وحاکمیت ملی می‌باشد که با انقلاب کبیر فرانسه اعتبار جهانی یافت. آزادی ملت به هر ملتی حق می‌دهد مطابق خومی‌باشد اعضاء و افرادش سرنوشت سیاسی خود را در اختیار داشته باشد و زندگی خود را به گونه‌ای که می‌خواهد سازمان دهد. دموکراسی در جوامع پیچیده و پرجمعیت امروز و همچنین تقسیم کار و تخصصی شدن سیمی‌باشد. برخلاف دولت- شهرهای یونان بمی‌باشدان به شیوه مستقیم امکان پذیر نمی‌باشد (تعقیب زاده، ۱۳۷۰، ص ۲۲).

لذا حاکمیت ملت یا مردم در این رژیم‌ها به جای اینکه مستقیما به وسیله مردم اعمال شود توسط نمایندگان آن‌ها اجرا می‌گردد. ملت با اجرای دموکراسی غیرمستقیم اولاً: اجرای حاکمیت خود را با توجه به حق تعیین سرنوشت که این حق در اسناد حقوق بشری و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده می‌باشد از طریق انتخابات به نمایندگان خود واگذار می‌کند، نه خود حاکمیت را و ملت هر موقع بخواهد نمایندگان خود را عزل و نمایندگان دیگری را جای آن‌ها انتخاب کند. این قاعده عزل نمایندگان که به وکالت دستوری موسوم می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۰۰، ص ۱۴۵). جز در برخی از کشورها مثل

شوروی سابق پذیرفته نشده می‌باشد. در جمهوری اسلامی ایران نیز حق حاکمیت مردم بر سرنوشت، اجتماعی و سیاسی خویش، مشارکت عملی و همه جانبه آنان را ایجاب می‌کند و قانون اساسی به عنوان منشور زندگی مردم جامعه در اصل شماره ۵۶ به صراحت به حق تعیین سرنوشت اشاره کرده و طریقه اعمال آن را مشخص کرده است.

چالش‌های فقهی عدالت انتخاباتی

در این مبحث چالش‌های فقهی عدالت انتخاباتی بررسی می‌شود. در برخورد با این چالش‌ها بایستی کاندیداها باید وعده‌هایی را بدهند که قادر به تحقق آن‌ها هستند و باید به وعده‌های خود پایبند باشند. همچنین، باید تلاش شود تا مردم بیشتر در فرآیند انتخاباتی مشارکت کنند و از حق رای خود به طور آگاهانه استفاده کنند.

معضل تقنین در حکومت اسلامی

یکی از نمادهای انتخابات، انتخاب نمایندگان مردم در قوه مقننه است. اصل چهارم قانون اساسی مقرر داشت «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیراینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق با عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است.» دوباره در اصل هفتاد و دوم تصریح شده است: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.» در اصل نود و یکم ترکیب شورای نگهبان آمده است: شش نفر از فقهای منصوب رهبری و شش حقوق‌دان که توسط مجلس بین افراد معرفی شده رئیس قوه قضائیه منصوب رهبری انتخاب می‌شوند. مطابق اصل نود و سوم «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان». بر اساس اصل نود و ششم «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آن‌ها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است». بر اساس اصل نود و هشتم «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود».

در موارد اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس که داوری به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می‌شود، باز مورد از چارچوب رأی رهبری و مصلحت نظام خارج نمی‌شود، چرا که اعضای ثابت و متغیر مجمع یادشده منصوب رهبری هستند، و مقررات آن نیز توسط اعضای مجمع تهیه و می‌باید به تأیید مقام رهبری برسد.

شرایط انتخاب شونده‌گان و انتخاب کنندگان

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی زنان از حق انتخاب کردن و رأی دادن در همه انتخابات برخوردار شدند، و در مورد انتخاب شدن نیز در مجلس شورای اسلامی، و شوراهای اسلامی شهر و روستا شرط جنسیت مطرح نشد و هیچ‌یک از مراجع تقلید هم اعتراض نکردند. در مورد انتخابات مجلس خبرگان رهبری هم اگرچه تاکنون این مجلس عضو مؤنث نداشته، اما منع شرعی و قانونی ندارد. تلقی فقهی برخی این است که زنان شرعاً نمی‌توانند ولی امر و رئیس‌جمهور شوند این در حالی است که پژوهش‌های فقهی عمیق حاکی از آن است که مهم‌ترین دلیل فقهی بر ممنوعیت تصدی مناصب کلیدی توسط بانوان، آیه شریفه «الرجال قوامون على النساء» انگاشته می‌شود در حالی که مفاد آیه فقط مختص به حوزه خانواده است و نمی‌توان مدلول آن را به فراتر از محیط خانواده گسترش داد. بلکه اساساً این آیه در مقام «تشریع حکم» نیست

بلکه از امر «تکوینی» عهده‌داری امور زنان توسط مردان در حوزه خانواده سخن می‌گوید (ر.ک: علیدوست، ۱۳۹۹، ص ۱۴-۱۵) بنابراین دلیل صریح فقهی مبنی بر ممنوعیت تصدی مناصب کلیدی توسط بانوان یافت نشده است. در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است». از مذاهب دیگر اسلامی «حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی» به رسمیت شناخته شده است. انتخاب شدن آن‌ها در مجلس شورای اسلامی، و شوراهای شهر و روستا بلامانع است. مطابق اصل سیزدهم قانون اساسی «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند». آن‌ها مجاز به شرکت در کلیه انتخابات هستند، در مجلس شورای اسلامی پنج نماینده دارند، در شوراهای اسلامی شهر و روستا دین شرط عضویت نیست.

معیارهای نامزد و لزوم انتخاب اصلح

انتخاب فرد اصلح وظیفه‌ای شرعی و عقلی و انقلابی است و کوتاهی در این امر یا در حضور در پای صندوقهای رأی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. همچنان که اصل انتخابات، یک تکلیف الهی است، انتخاب اصلح هم یک تکلیف الهی است. مردم هم بایستی بگردند و در همین فرصتی که تا انتخابات باقی است به عنوان یک وظیفه شرعی و اخلاقی، نامزدهایی را پیدا کنند و بگردند تا آدم‌هایی مناسب را برای این کار مهم پیدا کنند. مردم وظیفه دارند نامزدهای صحیح را پیدا و آن‌ها را انتخاب کنند. مردم وظیفه دارند به ملاک‌های دینی و شرعی و انقلابی نگاه کنند، به روابط و قوم و خویش و ایل و طایفه و این طور چیزها نگاه نکنند. ببینند واقعا چه کسی با معیارهای الهی و انقلابی مناسب‌تر و به آن نزدیک‌تر است، او را انتخاب کنند. همچنان که شرکت در انتخابات یک وظیفه است، گزینش خوب و آگاهانه هم یک وظیفه است. مردم باید به فکر شناخت اصلح باشند، چون چیز کوچکی نیست (فرازی، ۱۳۸۵، ص ۴).

صحبت کردن و نه غیبت کردن در خصوص نامزدها

در ایام انتخابات جهت شناخت نامزد مناسب، می‌بایست نواقص، عیوب و امتیازات آن‌ها را در گذشته و حال تفحص کرد تا فرد لایق را پیدا نمود، ملاک صحبت کردن پشت سر نامزدها جهت انتخاب فرد اصلح، این است که در امور مربوط به انتخابات در حد مشاوره، اشکال ندارد. لکن نباید این صحبت‌ها به غیبت کردن که حرام شرعی است منجر شود.

آراء سفید

می‌توان ملاحظات فقهی در تحلیل رأی ممتنع را در دو قسمت قابل پیگیری دانست؛ نخست از حیث مشروعیت و امکان رأی ممتنع. در این خصوص، عمل فرد انتخاب‌کننده، تحت عنوان مشارکت فعال موضوع حکم وجوب قرار گرفته است. بنابراین چه رأی را مصداق بیعت، مشورت به حکومت یا شهادت در نظر بگیریم، مبانی نامبرده می‌تواند تحت عنوان قاعده حفظ نظام مشارکت فعال و ممنوعیت رأی ممتنع را تقویت کند. در مقابل در صورتی که کارکرد رأی، شهادت به نفع حکومت جور یا تقویت مبانی آن باشد، رأی سفید می‌تواند به عنوان نافرمانی مدنی و رأی اعتراضی کارکردی موجه در برخی حالات داشته باشد (قائمی خرق، ۱۳۹۹، ص ۱۰۸).

خرید و فروش رأی

انتخابات اسلامی با انتخابات غربی مادی بسیار متفاوت است، استفاده از امور مالی و امتیازات مختلف برای خریدن آراء در انتخابات اسلامی مطلقاً جایز نیست و باید جداً از آن پرهیز کرد و کسانی که از این گونه طرق کسب آراء کنند،

مشروعیت آن‌ها زیر سؤال است، و رأی دهندگانی که با این امور به افرادی رأی می‌دهند که صلاحیت ندارند نیز از نظر شرعی مرتکب خلاف شرع شده‌اند. اصولاً توسل به این امور دلیل بر عدم صلاحیت است. برادران و خواهران عزیز مراقب باشند سرنوشت نظام و کشورشان را با هیچ چیز مبادله نکنند و حتی در تبلیغات انتخاباتی خود از روش‌های غربی استفاده نکنند.

استفاده از بیت‌المال جهت تبلیغات

استفاده از اموال بیت‌المال بدون مجوز شرعی و قانونی جایز نیست و موجب ضمان است. استفاده از بیت‌المال برای تبلیغات انتخاباتی خلاف شرع و قانون است. واضح است که استفاده از بیت‌المال برای تبلیغات انتخاباتی جایز نیست، بیت‌المال متعلق به همه مردم است هیچ شخصی نمی‌تواند به نفع خودش از بیت‌المال استفاده کند و منافع خصوصی خودش را در نظر بگیرد مسلماً جایز نیست و خلاف شرع و قانون است. بی تردید فردی که با تقلب می‌خواهد آرا کسب کند. مردم باید این کار را بررسی کنند کسی که می‌آید این پول‌ها را صرف می‌کند آیا می‌خواهد برود خدمت بکند یا اینکه کیسه دوخته. آن‌هایی که این مخارج را می‌کنند افرادی صلاحیت‌دار نیستند و استفاده از این‌ها هم شرعاً جایز نیست. نباید فرهنگ ما در عرصه انتخابات، فرهنگ غربی باشد؛ بلکه باید اصول اسلامی در تبلیغات، برنامه‌ها و هزینه‌ها رعایت شود و افراد مراعات این مسائل را بکنند (<https://hawzah.net>).

۵. وعده‌های دروغین

یکی دیگر از آسیب‌های مضر به عدالت انتخاباتی وعده‌های دروغین است. دروغ از نظر فقهی و شرعی حرام است و قرآن کریم بارها آن را مذمت کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؟ (صف: ۲) ای مؤمنان! چرا چیزی را می‌گویید که خود عمل نمی‌کنید؟».

رفتارهای مخالف عدالت انتخاباتی از نظر فقهی

ردیف	عنوان رفتار
۱	غیبت کردن
۲	خرید و فروش رای
۳	وعده‌های دروغین
۴	آرای سفید
۵	استفاده از بیت‌المال جهت تبلیغات

مسئولیت آراء دهنده در قبال عملکرد بعدی نامزد انتخاباتی

در صورتی که به شخصی آراء داده شود و بعداً ایشان آن طور که باید به احکام اسلامی عمل نکنند و موجب نارضایتی گردد، اگر بر طبق موازین شرعی عمل کرده است، مسئول نخواهد بود. ولی چنانچه معلوم شود مطابق موازین شرعی عمل نکرده است، مسئولیت خواهد داشت.

تهمت زدن در جریان انتخابات

تهمت زدن خواه درباره افراد عادی باشد یا در مورد کاندیدها باشد، حرام است و باید برادران، خواهران فراموش نکنند حق الناس ایجاد می شود. اگر تهمتی بزند باید برود جبران کند. یعنی به تمام کسانی که این تهمت را گفته بگوید: اشتباه کردم، دروغ گفتم و از صاحبش هم حلیت بطلبید. بار تهمت و مسئولیت تهمت خیلی سنگین است. برادران و خواهران مراقب باشند خدای نکرده در دام شیطان هوای نفس نیفتند و تهمت به کسی نزنند که جبران تهمت به این آسانی نمی شود

حدود وعده های نامزدهای انتخاباتی

قطعا جایز نیست وعده های فراتر از اختیار بدهند، یا دروغ بگویند، یا کاری که می دانند نمی شود آن را مطرح کنند. ما اسم این را تدلیس می گوئیم؛ نوعی تدلیس است. یعنی خلاف گوئی و کار را بر مردم مشتبه ساختن این کار جایز نیست. کاندیدها باید وعده هایی بدهند که می توانند انجام دهند یا در توان آنهاست که انجام بدهند. بعضی جاها می توانند بگویند امیدوارم بتوانم فلان کار را بکنم؛ در صورتی که واقعا امیدواری باشد. اگر امیدوار نباشد، بگوید امیدواریم؛ آن هم دروغ و تدلیس است. بنابراین باید وعده هایی بدهند که امکان انجام آن را داشته باشند.

وظیفه مردم در قبال انتشار دروغ و شایعه در انتخابات

افراد عادی و عموم مردم در قبال شایعات و مطالب دروغی که در فضای مجازی پخش و منتشر می شود، وظیفه ای بر گردن دارند. وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به عهده همه افراد جامعه می باشد و باید از شایعات و مطالب دروغ جلوگیری کرد.

شایعه سازی و شایعه پراکنی، مطلقا در اسلام جایز نیست. در قرآن در دو سه جا صریحا این معنا تحریم شده «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». در جاهای دیگر هم هست که شایعه پراکنی ممنوع است. منظور از شایعه پراکنی این است که چیزی که ثابت نیست، من برای شما بگویم، شما برای دیگری بگوئی که سطح جامعه را فرا بگیرد. در حالی که مطلبی است که ثابت نیست. این در اسلام مطلقا ممنوع است. گفتیم، از گناہانی است که در قرآن تصریح به عذاب شده که ما می گوئیم گناه کبیره است. گناهی است که در قرآن صریحا عذابی درباره آن ذکر شده. شایعه پراکنی جزء گناہان کبیره است.

حکم عدم شرکت در انتخابات به جهت عملکرد مسئولان

نظریه «جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه» نظریه بدیعی بود که برخلاف نظریه مشروطیت، از دو ویژگی «خدا محور» و «مردم گرایی» برخوردار بود و می بایست به گونه ای میان حق مردم و مشروعیت الهی تلاشی منطقی برقرار سازد. در نظریه سیاسی امام خمینی، فقیه به اعتبار «علم به احکام شرعی» ولایت انتصابی دارد، اما چنین ولایت انتصابی با صلاحیت حرفه ای فقیه، مجوزی برای مداخله در امور مردم در هر شرائطی نمی شود و تنجز ولایتش نیازمند انتخاب و اقبال مردم است. همچنان که وجود قاضی در جامعه لازم است و او به دلیل تخصص اش ولایت بر رفع مرافعه دارد اما تا طرفین مرافعه به او مراجعه نکنند حق داوری ندارد و داوری اش در محکمه به مرحله تنجیز نمی رسد. این نظریه که بنیان حکومت دینی در کشور ایران کنونی را تشکیل می دهد نظریه ای است که به طور صریح بر عنصر مردمی حکومت از طریق «انتخابات» صحنه می گذارد و بدون آن بنایی بر استمرار ندارد.

بنابراین ضعف و سستی برخی از مسئولان در اداره کشور را می‌توان دلیل شرکت نکردن مردم در انتخابات نمی‌باشد و دلیل مذکور مانع از عمل به وظیفه شرعی نمی‌باشد (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰). به نظر می‌رسد وعده‌های دروغین انتخاباتی از نگاه فقهی نیز چالش‌های خاص خود را دارند. در فقه اسلامی، صداقت و راستگویی از اصول اخلاقی مهم محسوب می‌شوند و هرگونه دروغ و فریبکاری محکوم است. در زمینه وعده‌های دروغین انتخاباتی، چندین چالش فقهی می‌تواند مطرح باشد: ۱. نقض حقوق مردم: از دیدگاه فقهی، وعده‌های دروغین می‌توانند به عنوان نقض حقوق مردم محسوب شوند. این حقوق می‌توانند شامل حق رای دادن به طور آگاهانه و بر اساس اطلاعات صحیح باشد. ۲. نقض امانت: در فقه اسلامی، امانت یکی از اصول اخلاقی مهم است. وعده‌های دروغین می‌توانند به عنوان نقض امانت مردم در نظر گرفته شوند، زیرا کاندیداها از طریق این وعده‌ها اعتماد مردم را به دست می‌آورند و سپس آن را نقض می‌کنند. ۳. تشویش اذهان عمومی: وعده‌های دروغین می‌توانند منجر به تشویش اذهان عمومی شوند، که این نیز از نظر فقهی محکوم است. این تشویش می‌تواند منجر به ناامیدی، بی‌اعتمادی و اختلال در فرآیند دموکراتیک شود. برای مقابله با این چالش‌ها، باید تلاش شود تا فرآیند انتخاباتی بر اساس اصول اخلاقی و فقهی انجام شود.

نتیجه‌گیری

عدالت انتخاباتی در فقه اسلامی، مبتنی بر اصول و مبانی اخلاقی و اجتماعی است که در قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) تبیین شده است، منتها به صورت روشن صریح تبیین نشده است و از لابلای قواعد و اصول استخراج می‌شود. در این زمینه، سه نکته کلیدی وجود دارد: ۱. احترام به حقوق انسانی: در فقه اسلامی، حقوق انسانی بسیار مهم است و هرگونه تبعیض بر اساس نژاد، جنس، سن یا وضعیت اقتصادی محکوم است. این اصل برای انتخابات نیز برقرار است و همه افراد واجد شرایط باید بتوانند به طور مساوی در انتخابات شرکت کنند. ۲. شفافیت و عدالت: فقه اسلامی تاکید زیادی بر شفافیت و عدالت در همه جوانب زندگی اجتماعی دارد، از جمله انتخابات. این به این معناست که فرآیند انتخابات باید شفاف باشد و همه آراء باید به طور منصفانه و دقیق شمرده شوند. ۳. مشارکت عمومی: فقه اسلامی بر اهمیت مشارکت عمومی در امور اجتماعی تاکید دارد. این اصل نیز در زمینه انتخابات اعمال می‌شود و همه افراد واجد شرایط باید تشویق شوند تا در انتخابات شرکت کنند و به حق رای خود احترام گذاشته شود. بنابراین، عدالت انتخاباتی در فقه اسلامی، مبتنی بر احترام به حقوق انسانی، شفافیت، عدالت و مشارکت عمومی است.

عدالت انتخاباتی در حقوق، مبتنی بر اصول و مبانی قانونی و دموکراتیک است که در قوانین و موازین بین‌المللی تعریف شده است. در این زمینه، سه نکته کلیدی وجود دارد: ۱. برابری در دسترسی: در حقوق بین‌المللی، برابری در دسترسی به انتخابات بسیار مهم است. این بدین معناست که همه افراد واجد شرایط باید بتوانند به طور مساوی در انتخابات شرکت کنند و هیچ‌گونه تبعیضی بر اساس نژاد، جنس، سن یا وضعیت اقتصادی وجود نداشته باشد. ۲. شفافیت: شفافیت یکی از اصول اساسی حقوق انتخاباتی است. این بدین معناست که فرآیند انتخابات باید شفاف باشد و همه آراء باید به طور منصفانه و دقیق شمرده شوند. همچنین، نحوه تعیین واجدین شرایط برای رای دادن و نامزدی باید شفاف و قابل پیگیری باشد. ۳. حق رای: در حقوق بین‌المللی، حق رای یکی از حقوق اساسی انسانی به شمار می‌رود. این حق برای همه افراد واجد شرایط باید تضمین شده باشد و هیچ‌گونه محدودیتی برای این حق نباید وجود داشته باشد. بنابراین، عدالت انتخاباتی

در حقوق، مبتنی بر برابری در دسترسی، شفافیت و حق رای است. دادرسی عادلانه در انتخابات یکی از اصول مهم حقوق بشر و دموکراسی است. این مفهوم به این معنی است که همه افراد باید به طور مساوی در فرآیند انتخاباتی شرکت کنند و حقوق آن‌ها در مورد حق اعتراض و دادخواست محترم شود. در یک فرآیند انتخاباتی عادلانه، باید امکان اعتراض و دادخواست در مورد نتایج انتخابات وجود داشته باشد. این به این معنی است که اگر یک فرد یا گروه از افراد احساس کنند که حقوق آن‌ها در فرآیند انتخاباتی نقض شده است، باید بتوانند به طور قانونی اعتراض کنند و دادخواست داشته باشند. برای تضمین دادرسی عادلانه در انتخابات، باید تدابیر قانونی و سیاستی اتخاذ شود.

منابع

۱. انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی (۱۳۹۰) دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: محراب فکر
۲. باتلر، دیوید، (۱۳۸۵). انتخابات مبارزات، ترجمه مزدا موحد، دایره المعارف دموکراسی، زیر نظر سیمور مارتین لیپست، ج ۱، تهران: انتشارات کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
۳. بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵) بررسی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۶) آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
۵. بیات، عبدالرسول، (۱۳۸۱) فرهنگ واژه‌ها، قم: نشر مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۶. جعفری لنگرودی (۱۳۸۲)، فرهنگ عنصرشناسی، چاپ اول، نشر گنج دانش.
۷. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۱۳) مقاله فی المداله، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. آشتیانی، محمد بن حسن بن جعفر (۱۴۲۵) کتاب القضاء، چاپ اول، انتشارات رهبر - کنگره علامه آشتیانی.
۹. ابن ابی عز، علی بن علی (۱۴۲۴) التنبيه على مشكلات الهداية، چاپ اول، ناشرون: مکتب الرشید.
۱۰. ابن اسحاق جندی، خلیل بن اسحاق (۱۴۲۹) التوضیح فی شرح المختصر، چاپ اول، قاهره: مرکز نجیبویه للمخطوطات و خدمه التراث.
۱۱. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم (بی تا) البحر الرائق شرح کنز الدقائق، چاپ دوم، بیروت: دار الکتاب الاسلامی.
۱۲. ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۴) الکافی فی فقه الامام احمد، چاپ اول، بیروت: دار الکتاب العلمیه.
۱۳. ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸) المغنی، قاهره: مکتب القاهره.
۱۴. ابن رشد الحفید، محمد بن احمد (۱۴۲۵) بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، چاپ اول، قاهره: دارالحديث.

۱۵. ابن رشد قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۸) البیان و التحصیل، چاپ دوم، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۱۶. ابن جلاب مالکی، عبیدالله بن حسین (۱۴۲۸) التفریع فی فقه الامام مالک بن انس، چاپ اول، بیروت: دار الكتاب العلمیه.
۱۷. ابن عسکر بغدادی، عبدالرحمن بن محمد (بی تا) ارشاد السالک الی اشرف المسالک فی فقه الامام مالک، چاپ سوم، قاهره: مطبعة الحلبي.
۱۸. ابن عبد البر قرطبی، یوسف بن عبدالله (۱۳۹۸) کتاب الکافی فی فقه اهل المدینه المالکی، چاپ اول، ریاض: مکتبه الرياض الحديثه.
۱۹. ابن عابدین، محمدامین بن امین (۱۴۱۲) قرءة عين الاختيار لتتكملة رد المختار علی الدر المختار، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
۲۰. ابن عابدین، محمدامین بن عمر (بی تا) منحة الخالق، چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب الاسلامی.
۲۱. ابن مازہ، محمود بن احمد (۱۴۲۴) المحيط البرهانی فی الفقه النعمانی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. ابن مودود موصلی، عبدالله بن محمود (۱۳۵۶) الاختیار لتعیل المختار، چاپ اول، قاهره: مطبعة الحلبي.
۲۳. ابن شاس، عبدالله بن نجم (۱۴۲۳) عقد الجواهر الثمينة فی مذهب عالم المدینه، چاپ اول، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۲۴. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰) السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸) الوسيلة الی نیل الفضيلة، چاپ اول، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۲۶. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳) مجمع الفائدة و البرهان، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۴) رساله فی المدائنه، چاپ اول، قم: مجمع الفکر اسلامی.
۲۸. ابن ابی تغلب، عبدالقادر بن عمر (۱۴۰۳) نیاللمارب بشرح دلیل الطالب، چاپ اول، کویت: مکتبه الفلاح.
۲۹. اردکانی، مرتضی بن محمد (۱۴۰۲) رساله فی المدائنه، چاپ اول، قم: مؤلف.
۳۰. علیدوست، ابوالقاسم؛ لطفی، محمدجواد (۱۳۹۹)، آیه الرجال قوامون علی النساء و تصدی زنان نسبت به پست های متضمن ولایت، دو فصلنامه قرآن فقه و حقوق اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۱۲، ص ۷-۲۶.